

پایتخت در محاصره کرونا

تعداد مبتلایان کرونا در کشور به ۲۹۳۶۰۶
و شمار قربانیان به ۱۵۹۱۲ نفر رسید

صفحه ۲

وطن امروز

پشت پرده آن ۳۳ روز

صفحه ۸

گزارش «وطن امروز» درباره روند فروش اوراق قرضه دولتی و سرانجام بازار باز

تورم اوراق می‌شود؟

برخی شواهد نشان می‌دهد بانک‌ها برای خرید اوراق قرضه دولتی تحت فشار قرار گرفته‌اند

بافرض تداوم روند فعلی می‌توان انتظار داشت تا پایان سال حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان اوراق قرضه دولتی به فروش برسد

صفحه ۵



کسب اعتمادی جمع‌آورد

تیتراهای امروز

پرونده «وطن امروز»: پاینده و نیایدی‌های دیوان محاسبات و تحولی که ضروری است

دادستان بیت‌المال

- نظارت دیوان محاسبات باید پیشگیرانه شود
- انتظار مجلس کشف بموقع فساد است
- ضرورت احیای اختیارات نظارتی و مجازاتی
- تحول در سیستم مدیریت سنتی دیوان
- مدیریت تعارض منافع در دیوان محاسبات

برگزاری مراسم معارفه رئیس جدید دیوان محاسبات

بذر پاش: ذره‌ای از حقوق مردم کوتاه نمی‌آیم

قالبیاف خطاب به بذریاش: ثابت کنید فرزند گام دوم هستید این خواسته یکایک ما در مجلس از شماست



صفحات ۲ و ۳

تابستان داغ در انتظار لژیونرهای ایرانی

انتقال به تیم بزرگ‌تر



صفحه ۶

مدیریت تعارض منافع در دیوان محاسبات

محاسبات دارد. محور دیگر برای ارتقای عملکرد دیوان محاسبات، فرآیند رفتن حوزه نظارت دیوان محاسبات از دایره بودجه به حوزه برنامه‌های مالی دستگاه‌هاست. به طور مثال یک دستگاه خاص برای ۵ برنامه خاص، بودجه مشخصی را دریافت می‌کند. در حال حاضر بودجه در پیوست ۴ بودجه آمده است و به نوعی این برنامه‌ها جنبه صوری دارد. از یک سو برنامه‌ها صوری است و از سوی دیگر دیوان محاسبات به این حوزه تعریف‌شده در بودجه، اهداف مدنظر قانون را اجرا می‌کند یا خیر؟ یا اینکه آیا می‌توان با هزینه کمتری اهداف مدنظر قانون را اجرایی کرد یا خیر؟ اجرای این پیشنهاد البته نیاز به اصلاح قوانین مربوط به دیوان

منفی در نظر بگیرد. بحث دیگری که باید در دیوان محاسبات پیگیری شود، تبدیل نظارت پسینی فعلی به نظارت برخط و حتی نظارت پیشینی است. اجرای این پیشنهاد باعث پیگیری از وقوع بسیاری از تخلفات می‌شود. موضوع دیگری که باید در دیوان محاسبات پیگیری شود، مدیریت هزینه اجرای قوانین است به طوری که دیوان محاسبات بررسی کند آیا هزینه‌های تعریف‌شده در بودجه، اهداف مدنظر قانون را اجرا می‌کند یا خیر؟ یا اینکه آیا می‌توان با هزینه کمتری اهداف مدنظر قانون را اجرایی کرد یا خیر؟ اجرای این پیشنهاد البته نیاز به اصلاح قوانین مربوط به دیوان

محاسبات با دستگاه‌های تحت نظر محدود شود یا اینکه جریان درآمدی کارکنان دیوان محاسبات شفاف شود یا راهکارهای دیگری که مسأله تعارض منافع کارکنان دیوان را برطرف کند. مسأله دیگر هم اعمال نفوذ نمایندگان مجلس روی رئیس دیوان محاسبات است. این مسأله در سال‌های قبل تا حدودی وجود داشت. به طور مثال سفارش‌های برخی نمایندگان به رئیس دیوان محاسبات برای ملدرا با برخی متخلفان از قانون بودجه و... از جمله مصادیق این مسأله است. برای حل این مسأله می‌توان پیشنهاد داد هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان، اعمال نفوذ نمایندگان در رابطه با رئیس دیوان محاسبات را به عنوان یک امتیاز

محاسبات با دستگاه‌های تحت نظر محدود شود یا اینکه جریان درآمدی کارکنان دیوان محاسبات شفاف شود یا راهکارهای دیگری که مسأله تعارض منافع کارکنان دیوان را برطرف کند. مسأله دیگر هم اعمال نفوذ نمایندگان مجلس روی رئیس دیوان محاسبات است. این مسأله در سال‌های قبل تا حدودی وجود داشت. به طور مثال سفارش‌های برخی نمایندگان به رئیس دیوان محاسبات برای ملدرا با برخی متخلفان از قانون بودجه و... از جمله مصادیق این مسأله است. برای حل این مسأله می‌توان پیشنهاد داد هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان، اعمال نفوذ نمایندگان در رابطه با رئیس دیوان محاسبات را به عنوان یک امتیاز

محاسبات با دستگاه‌های تحت نظر محدود شود یا اینکه جریان درآمدی کارکنان دیوان محاسبات شفاف شود یا راهکارهای دیگری که مسأله تعارض منافع کارکنان دیوان را برطرف کند. مسأله دیگر هم اعمال نفوذ نمایندگان مجلس روی رئیس دیوان محاسبات است. این مسأله در سال‌های قبل تا حدودی وجود داشت. به طور مثال سفارش‌های برخی نمایندگان به رئیس دیوان محاسبات برای ملدرا با برخی متخلفان از قانون بودجه و... از جمله مصادیق این مسأله است. برای حل این مسأله می‌توان پیشنهاد داد هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان، اعمال نفوذ نمایندگان در رابطه با رئیس دیوان محاسبات را به عنوان یک امتیاز

شورای نگهبان، سنگ‌سور انقلاب و جامعه

افراد کافی نیست؟ یا اینکه اکتفا به ظاهر افراد و مشهور بودن در داشتن حداقل صلاحیت کسب آن مسؤولیت، کفایت می‌کند؟ برخی اقدامات تلخ شورای نگهبان در باطن امر، دارای خیر و سعادت واقعی برای خود مردم است. نمونه واضحش رد برخی مصوبات به ظاهر مفیدی است که باطنش نفوذ و استعمارپذیری است و با شرع و قانون اساسی ناسازگار است و نمونه دیگر رد صلاحیت امثال آقایان منشایی و خاتمی است. بر این اساس، نباید شورای نگهبان را تحت فشار قرار داد تا این شورا بتواند با آرامش، خیر واقعی جامعه را رقم بزند. همین فشارها بود که کشور را چند سال گرفتار فرآیند برجام دارای فرجام وارونه کرد. نتیجه برجام چه شد؟ کدام عاقل می‌پذیرد با اعتماد به دشمن می‌توان انتظار خیر خواهی و نیک‌فرجامی داشت؟! برجامی که در زمان حاکمیت دموکرات‌ها تنظیم و امضا شد، چرا نتوانست جلوی خروج بی‌شرمانه ترامپ را بگیرد؟! در گرماگرم گفت‌وگوهای برجامی، وعده‌های چرب و شیرینی از نسوی طرف‌های غربی بویژه کدخدایان) به دولت آقای روحانی داده شد. حذف موانع پیشرفت کشور یکی از آن وعده‌ها بود که هرگز محقق نشد و حتی دست‌کم مانع افزایش تحریم‌های آمریکا و در پی آن، مانع تحریم‌های ثانوی دولت‌های غربی نشد چرا؟ بسیار ارزشمند است و باید روزبه‌روز افزایش منطقی یابید؛ چون علاوه بر آنکه موجب بسالار رفتن نظارت عمومی و رشد بلوغ سیاسی و اجتماعی می‌شود، در آینده نیز موجب شکل‌گیری انتخاباتی کارساز می‌شود و به سلامت مدیریتی کشور کمک شگفت‌آوری می‌کند.

داخلی و تقویت رونق واسطه‌گری و دلای عناصر سودجو و مفسد شد. اما در نتیجه‌گیری می‌توان گفت پیشگامان این تفکر، به جای گرفتن درس عبرت و بالا بردن آگاهی مردم و اثبات بی‌اعتمادی بیشتر به دولت آمریکا و دولت‌های غربی و نیز بالا بردن بینش و اعتماد عمومی به توان داخلی و ایجاد شرایط تعامل منطقی با دنیا بویژه همسایگان، متأسفانه برخی چهره‌های دولتی و عناصر شاخص جریان‌ها همسو با دولت، با تمسک به سیاست فرافکنی، سعی در مقصر جلوه دادن ارکان نظام از جمله شورای نگهبان کردند. آنان پیوسته شورای نگهبان را مقصر اصلی این مشکلات جلوه می‌دهند و این سوال را در آذهان جا می‌اندازند: «چرا شورای نگهبان صلاحیت ریاست‌محترم جمهوری را تأیید کرد؟» و سعی دارند این روش انتقادی به یک مطالبه‌گری عمومی علیه شورای نگهبان تبدیل شود! این در حالی است که این عناصر سیاسی از یک سو، نامزدهای خود را به اشکال مختلف (از جمله با دادن تعهد اخلاقی و شرعی به اعضای شورای نگهبان جهت عملکرد درست نامزد مطلوب‌شان) بر انتخابات تحمیل می‌کنند و از سوی، پس از عمل نکردن مطلوب دولت مورد حمایت‌شان به تعهدات قانونی و انقلاهی خود (که هم در فرآیند رسیدن به این جایگاه و هم در ریزنی به شورای نگهبان داشتند)، تقصیر و قصور در انجام وظیفه را به گردن شورای نگهبان می‌اندازند و پیوسته وانمود می‌کنند رئیس‌جمهور از سوی شورای نگهبان به او ایراد می‌گیرید، ایرادات او و همکارانش به عهده شورای نگهبان است و بهتر بود شورای نگهبان او را تأیید

داخلی و تقویت رونق واسطه‌گری و دلای عناصر سودجو و مفسد شد. اما در نتیجه‌گیری می‌توان گفت پیشگامان این تفکر، به جای گرفتن درس عبرت و بالا بردن آگاهی مردم و اثبات بی‌اعتمادی بیشتر به دولت آمریکا و دولت‌های غربی و نیز بالا بردن بینش و اعتماد عمومی به توان داخلی و ایجاد شرایط تعامل منطقی با دنیا بویژه همسایگان، متأسفانه برخی چهره‌های دولتی و عناصر شاخص جریان‌ها همسو با دولت، با تمسک به سیاست فرافکنی، سعی در مقصر جلوه دادن ارکان نظام از جمله شورای نگهبان کردند. آنان پیوسته شورای نگهبان را مقصر اصلی این مشکلات جلوه می‌دهند و این سوال را در آذهان جا می‌اندازند: «چرا شورای نگهبان صلاحیت ریاست‌محترم جمهوری را تأیید کرد؟» و سعی دارند این روش انتقادی به یک مطالبه‌گری عمومی علیه شورای نگهبان تبدیل شود! این در حالی است که این عناصر سیاسی از یک سو، نامزدهای خود را به اشکال مختلف (از جمله با دادن تعهد اخلاقی و شرعی به اعضای شورای نگهبان جهت عملکرد درست نامزد مطلوب‌شان) بر انتخابات تحمیل می‌کنند و از سوی، پس از عمل نکردن مطلوب دولت مورد حمایت‌شان به تعهدات قانونی و انقلاهی خود (که هم در فرآیند رسیدن به این جایگاه و هم در ریزنی به شورای نگهبان داشتند)، تقصیر و قصور در انجام وظیفه را به گردن شورای نگهبان می‌اندازند و پیوسته وانمود می‌کنند رئیس‌جمهور از سوی شورای نگهبان به او ایراد می‌گیرید، ایرادات او و همکارانش به عهده شورای نگهبان است و بهتر بود شورای نگهبان او را تأیید

داخلی و تقویت رونق واسطه‌گری و دلای عناصر سودجو و مفسد شد. اما در نتیجه‌گیری می‌توان گفت پیشگامان این تفکر، به جای گرفتن درس عبرت و بالا بردن آگاهی مردم و اثبات بی‌اعتمادی بیشتر به دولت آمریکا و دولت‌های غربی و نیز بالا بردن بینش و اعتماد عمومی به توان داخلی و ایجاد شرایط تعامل منطقی با دنیا بویژه همسایگان، متأسفانه برخی چهره‌های دولتی و عناصر شاخص جریان‌ها همسو با دولت، با تمسک به سیاست فرافکنی، سعی در مقصر جلوه دادن ارکان نظام از جمله شورای نگهبان کردند. آنان پیوسته شورای نگهبان را مقصر اصلی این مشکلات جلوه می‌دهند و این سوال را در آذهان جا می‌اندازند: «چرا شورای نگهبان صلاحیت ریاست‌محترم جمهوری را تأیید کرد؟» و سعی دارند این روش انتقادی به یک مطالبه‌گری عمومی علیه شورای نگهبان تبدیل شود! این در حالی است که این عناصر سیاسی از یک سو، نامزدهای خود را به اشکال مختلف (از جمله با دادن تعهد اخلاقی و شرعی به اعضای شورای نگهبان جهت عملکرد درست نامزد مطلوب‌شان) بر انتخابات تحمیل می‌کنند و از سوی، پس از عمل نکردن مطلوب دولت مورد حمایت‌شان به تعهدات قانونی و انقلاهی خود (که هم در فرآیند رسیدن به این جایگاه و هم در ریزنی به شورای نگهبان داشتند)، تقصیر و قصور در انجام وظیفه را به گردن شورای نگهبان می‌اندازند و پیوسته وانمود می‌کنند رئیس‌جمهور از سوی شورای نگهبان به او ایراد می‌گیرید، ایرادات او و همکارانش به عهده شورای نگهبان است و بهتر بود شورای نگهبان او را تأیید

محاسبات با دستگاه‌های تحت نظر محدود شود یا اینکه جریان درآمدی کارکنان دیوان محاسبات شفاف شود یا راهکارهای دیگری که مسأله تعارض منافع کارکنان دیوان را برطرف کند. مسأله دیگر هم اعمال نفوذ نمایندگان مجلس روی رئیس دیوان محاسبات است. این مسأله در سال‌های قبل تا حدودی وجود داشت. به طور مثال سفارش‌های برخی نمایندگان به رئیس دیوان محاسبات برای ملدرا با برخی متخلفان از قانون بودجه و... از جمله مصادیق این مسأله است. برای حل این مسأله می‌توان پیشنهاد داد هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان، اعمال نفوذ نمایندگان در رابطه با رئیس دیوان محاسبات را به عنوان یک امتیاز

دیدگاه

داخلی و تقویت رونق واسطه‌گری و دلای عناصر سودجو و مفسد شد. اما در نتیجه‌گیری می‌توان گفت پیشگامان این تفکر، به جای گرفتن درس عبرت و بالا بردن آگاهی مردم و اثبات بی‌اعتمادی بیشتر به دولت آمریکا و دولت‌های غربی و نیز بالا بردن بینش و اعتماد عمومی به توان داخلی و ایجاد شرایط تعامل منطقی با دنیا بویژه همسایگان، متأسفانه برخی چهره‌های دولتی و عناصر شاخص جریان‌ها همسو با دولت، با تمسک به سیاست فرافکنی، سعی در مقصر جلوه دادن ارکان نظام از جمله شورای نگهبان کردند. آنان پیوسته شورای نگهبان را مقصر اصلی این مشکلات جلوه می‌دهند و این سوال را در آذهان جا می‌اندازند: «چرا شورای نگهبان صلاحیت ریاست‌محترم جمهوری را تأیید کرد؟» و سعی دارند این روش انتقادی به یک مطالبه‌گری عمومی علیه شورای نگهبان تبدیل شود! این در حالی است که این عناصر سیاسی از یک سو، نامزدهای خود را به اشکال مختلف (از جمله با دادن تعهد اخلاقی و شرعی به اعضای شورای نگهبان جهت عملکرد درست نامزد مطلوب‌شان) بر انتخابات تحمیل می‌کنند و از سوی، پس از عمل نکردن مطلوب دولت مورد حمایت‌شان به تعهدات قانونی و انقلاهی خود (که هم در فرآیند رسیدن به این جایگاه و هم در ریزنی به شورای نگهبان داشتند)، تقصیر و قصور در انجام وظیفه را به گردن شورای نگهبان می‌اندازند و پیوسته وانمود می‌کنند رئیس‌جمهور از سوی شورای نگهبان به او ایراد می‌گیرید، ایرادات او و همکارانش به عهده شورای نگهبان است و بهتر بود شورای نگهبان او را تأیید

تاریخ

بررسی عملکرد خاتمه گروهک تروریست نفاق - بخش ۶

فردا کار تمام می‌شود

محمدعلی صادقی: ۹۹ روز پس از برکناری بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری و اعلام جنگ مسلحانه داروخته مسعود رجوسی علیه جمهوری اسلامی و در حالی که کشور در فضای انتخابات ریاست‌جمهوری همه مردم که داشت، در نخستین دقایق یامداد روز ۵ مهرماه ۶۰، نیروهای سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی، با استعداد ۲۹ گردان، از ۴ محور به خطوط مقدم ارتش متجاوز صدام حمله کردند. این عملیات که «تامن‌الائم» نام گرفت، نخستین تلاش ماشین جنگی کشور در چنین ابعادی بود که به فاصله یک سال از آغاز جنگ انجام می‌گرفت (کاری که بنی‌صدر می‌توانست ۶ یا ۷ ماه قبل، با همین وسعت به انجام برساند). چشم‌های همه مردم که



با اخبار صحیح‌گهی در جریان آغاز این عملیات قرار گرفته بودند، به خوزستان دوخته شده بود تا نتیجه نخستین یورش همه‌جانبه فرزندان خود به اشغالگران را ببینند. ۱۰ ساعت پس از آغاز عملیات در جنوب کشور، در حالی که بخش عمده‌ای از پاسداران انقلاب اسلامی، در جبهه شکست حصر آبادان، حضور داشتند، اعضای سازمان مجاهدین با دستور موسی خیابانی، عملیاتی موسوم به «نظارات مسلحانه» را در تهران آغاز کردند. شکل کار به این صورت بود که افراد موتورسوار و پیاده سازمان، هم از زن و مرد، با سلاح‌های سبک به خیابان ریخته و همراه با دادن دستور، اقدام به شلیک هوایی یا مستقیم به سوی افراد عبوری یا اتومبیل‌هایی که افراد با ظاهر مذهبی در آن نشسته بودند و ساختمان‌های مراکز عمومی، بانک‌ها، مغازه‌ها و پاساژها کنند. به واحدهای عملیاتی دستور داده شده بود (هر کس، به هر شکل خواست جلوی تظاهرات را بگیرد به رگبار ببندید و حتی اینکه از چه موضعی از تظاهرات جلو گیری می‌کند، فرقی ندارد. اگر نیروهای عملیاتی بتوانند از این تظاهرات ۲ ساعت حفاظت کنند، کار تمام است و نیروهای مردمی به ما می‌پیوندند و آتش زیر خاکستر شعله‌ور می‌شود». در یکی دیگر از تحلیل‌های درون‌گروهی اعضای سازمان درباره آشوب ۵ مهر آمده است: «از چند نقطه شهر، راهپیمایی صورت می‌گیرد. نیروهای ما هسته‌های اولیه راهپیمایی که شعار می‌دهند را به وجود می‌آورند. بعد از پیوستن مردم به هسته‌های اولیه، دیگر نیروهای رژیم هیچ کاری نمی‌توانند کنند. شرایط اجتماعی و مردم مثل چاه آرتزینی است که فقط احتیاج به یک جرعه دارد تا پوسته آخر را شکافته و فوران کند و بعد از آن هیچ چیز نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد».

ادامه در صفحه ۶

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی @vatanemrooz

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱